

عناصر کلان فرماندهی و ستاد در جنگ اقتصادی

مولفین: رضا آقانوری^۱، علی اکبر رمضان زاده^۲، سید حمید رضا قریشی^۳، احمد مولائی^۴

مقدمه:

"خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمامعیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است."^۱ این جمله ای از امام خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۹۲ بود که ذهن هر فرد نظامی را به خود متوجه می سازد. شاید بگوئید که این چگونه مقدمه چینی است، اما برای شما ثابت خواهیم کرد که این جمله بهترین مقدمه برای کالک جنگ اقتصادی است. واقعیت آن است که برای عناصر نظامی موضوع قابل توجه هر آن چیزی است که به "جنگ" مربوط می شود. برای افرادی که سال ها در حوزه های مختلف نظامی به خدمت مشغول بوده اند این کلمه بسیار فهمیدنی است "جنگ". می دانم عده زیادی بر من خرده خواهند گرفت که تکلیف شرعی، فرهنگی، اجتماعی و... مدافعان چه می شود و مسائل شرعی مهمتر است و چه و چه! ولی واقعیت را بازهم گوشزد می کنم، ما نظامی هستیم چون روحیه جنگ آوری داریم و رزمنده هستیم چون باور کرده ایم که با جنگیدن می بایست از خود و ارزش هایمان دفاع کنیم. سال های طولانی جنگیدن در سطوح مختلف، مطالعه بر روی روش های دشمن، فعالیت های میدانی، شهادت فرماندهان و رفقا و ده ها دلیل دیگر ما را به این موضوع علاقه مند ساخته است، هرچند که "جنگ" ذاتا و ماهیتا منفور باشد. اینجاست که هرگاه پای این کلمه به میدان می آید چیزی در ناخودآگاه ما می گوید که: اکنون نوبت ماست. این مقدمه را گفتم تا هم برنامه ریزان کلان غیر نظامی و هم خود متوجه شویم که چرا نظامیان به موقع به موضوعات مهم "غیر جنگی" توجه نمی کنیم. جواب ساده است: ما انتخاب کرده ایم که بجنگیم. با بیات امام خامنه ای در آن تاریخ بررسی های من هم شروع شد. امام خمینی (ره) در 1358/10/05 به مقوله جنگ اقتصادی اشاره نموده و بعدها روح و ماهیت تهاجم دشمن را در عرصه دفاع مقدس مباحث اقتصادی می دانست. امام خامنه ای نیز در سال های رهبری ایران اسلامی بدین موضوع اشاره داشته اند، اما تهاجم به معنای عام در همین جملات سال ۹۲ نهفته است.

"خب، وقتی میگوییم باید دفاع کند، یک سؤال به ذهن میرسد که مگر حمله ای وجود دارد که دفاع کند؟ مگر دشمنی هست که باید دفاع کرد در مقابل آن دشمن؟ این سؤال به ذهن می آید. شماها جواب این سؤال را بروشنی میدانید؛ بله.^۲ همانگونه که متوجه شدید،

^۱ محقق علوم راهبردی، مدرس دانشگاه

^۲ محقق علوم راهبردی، مدرس دانشگاه

^۳ محقق علوم راهبردی، مدرس دانشگاه

^۴ محقق علوم مدیریتی، گروه بین المللی سما

آهسته، آهسته از انحراف استراتژیک عمیقی در تحلیل صحنه های راهبردی نظامی پرده برداشته می شد. هنگامی که ما در تحلیل هندسه واژگانی سن تزو و کلازویتس غور می کردیم، دشمن یا دشمنانی صحنه جنگ را ربوده و جنگ پنهانی آغاز شده بود. «موضوع اصلی، توانایی هسته‌ای ایران یا قابلیت موشکی این کشور نیست بلکه جلوگیری از تقویت اقتصاد ایران در زمان اجرای برجام است» این بخشی از گزارش پایگاه امریکایی نیوزمکس است که در آن با اشاره به موقعیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بهبود وضعیت اقتصادی کشورمان را عاملی که منافع امریکا را به خطر می‌اندازد، معرفی می‌کند. نیوز مکز^۵ به لزوم مقابله دولت ترامپ با پیشرفت اقتصادی ایران اشاره و با تأکید بر اینکه «آنچه در واقع امریکا را تهدید می‌کند، تقویت اقتصاد ایران است نه برنامه هسته‌ای» می‌نویسد: «موضوع اصلی، توانایی هسته‌ای ایران یا قابلیت موشکی این کشور نیست بلکه جلوگیری از تقویت اقتصاد ایران در زمان اجرای برجام است». جنگ اقتصادی که نیوزمکز به آن اشاره می‌کند همان مسئله‌ای است که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در دیدار با مردم آذربایجان شرقی در 1395/11/21 به آن اشاره می‌کنند و از لزوم توجه کارگزاران و مسئولان برای تجهیز کشور در جنگ اقتصادی با نظام سلطه سخن به میان می‌آورند. ایشان در این دیدار جنگ واقعی غرب علیه کشورمان را جنگ اقتصادی توصیف و بیان می‌فرمایند: «جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است، جنگ واقعی گرفتن عرصه‌های کار و فعالیت و فناوری در داخل کشور است، این جنگ واقعی است. ما را به جنگ نظامی متوجه می‌کنند تا از این جنگ غفلت کنیم».

جنگ اقتصادی^۶

خوب اول از جنگ شروع می‌کنم. جنگ چیزی جز ادامه سیاست با ابزارهای دیگر نیست! (فون کلاسویتز)، سیاست جنگ بدون خونریزی و جنگ سیاست همراه با خونریزی است (مائو تسه تونگ)، جنگ نقطه‌ای است که سیاست به قتال تبدیل می‌شود (مایکل سرس) و البته ده‌ها معنی دیگر که در لفاظی‌های ادبی با آن مواجهیم: مانند جنگ یعنی مقابله دو ملت با یکدیگر، جنگ یعنی مقابله خصمانه و مسلحانه علیه رقبا و...، اما جنگ اقتصادی!!! جنگ اقتصادی چیست؟ امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاستهای خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی است، جنگی از نوع خاص^۳. پس جنگ اقتصادی نوعی از جنگ است که در عرصه اقتصاد رخ می‌دهد. منظور از عرصه جنگ فضائی است که ابزار، ادوات و نیروها در آن بکارگرفته می‌شوند. جنگ در این عرصه چنان مهم است که برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که قرن بیست و یکم، قرن جنگ‌های اقتصادی است.^۴ البته، جنگ با استفاده از قدرت‌های نظامی، اهمیت خود را حفظ خواهد کرد، اما متن و نوع آن بی‌تردید تغییر خواهد کرد.^۵ در تعریف جنگ اقتصادی ملاحظه می‌نمائیم: استفاده تعرضی یا دفاعی از تجارت، کمک‌های خارجی، فعل و انفعالات مالی و سایر اموری که در تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات دینفوذ می‌باشند. هدف از این جنگ افزودن به توانایی‌های خودی و کاستن یا خنثی کردن توانایی‌ها و استعدادها بالقوه دشمن است که منتهی به دستیابی به مقاصد امنیت ملی است.^۶ از نگاه منبعی دیگر منبعی عبارت است از به کارگیری سلاح‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف استراتژیک. سلاح‌های اقتصادی شامل: مجازات‌های اقتصادی، محاصره‌های اقتصادی، بلوکه‌سازی بنادر، تشکیل کارتل‌های اقتصادی، بسیج صنعتی، مسابقه تسلیحاتی، افزایش انبارهایی از انواع مواد و کالای استراتژیک و حمله به اهداف اقتصادی (خرابکاری و بمباران) می‌باشد.^۷

⁵ Newsmax

⁶ Economic warfare

عرصه جنگ اقتصادی

مطابق روال مواجهه با دشمن در یک عرصه نظامی باسد پرسید: حریف کیست؟ - دشمن هست؛ دشمن غدار، زرنگ، دست‌وپادار، متقلب، شیطان‌صفت در مقابل این حرکت عظیم وجود دارد؛ آن دشمن کیست؟ / استکبار^۱. در اینجا هر فرماندهی خواهد پرسید وضعیت فعلی عرصه نبرد چگونه است؟ در زمینه‌ی اقتصاد، دشمن به معنای واقعی کلمه برنامه‌ریزی کرد؛ بعضی جاها صریح وارد میدان شدند، بعضی جاها بدون صراحت وارد میدان شدند^۲ و تحریمها بالاخره اثر گذاشت^۳. این جمله آخر مقام معظم رهبری حکایتی تلخ از پیشروی دشمن در جبهه خودی است. علت این پیشروی در کلام مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) وضعیت آشفته جبهه خودی است. مقام معظم رهبری علت این آشفتنی را کمبود منابع مالی، وابستگی به نفت، دولتی بودن اقتصاد، مشکل معیشتی قشرهای ضعیف، رکود و بیکاری، گرانی و کاهش قدرت خرید، رشد نقدینگی، تورم، جدی نگرفتن تهدید می‌داند.

همانگونه که ملاحظه می‌شود صلابت نبرد در عرصه اقتصادی اساساً نرم است. اما از آنجا که تحریم به عنوان مهمترین ابزار جنگ اقتصادی به عنوان مقدمه ای بر جنگ در منشور ملل متحد قرار داده شده است، لذا به نظر مرحله جنگ اقتصادی را مرحله ای مقدم بر نبرد نظامی و نیمه سخت نیز می‌توان قلمداد کرد. یکی از اقداماتی که شورای امنیت به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بر اساس فصل هفتم منشور اتخاذ می‌نماید، تحریمهای اقتصادی می‌باشد که در مواقعی که یک وضعیت را به عنوان تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوز کارانه تشخیص دهد قادر به اتخاذ تصمیماتی، از جمله تحریم‌های اقتصادی خواهد بود. در روابط بین‌الملل معاصر، اعمال این تحریم‌ها به عنوان ابزارهایی جهت تضمین اجرای قواعد حقوق بین‌الملل و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت فراوانی یافته‌اند که البته امکان دارد اعمال این تحریم‌ها علاوه بر شورای امنیت، از سوی برخی کشورها بلاخص کشورهای قدرتمند نیز اعمال گردد. در این پژوهش سعی بر آن شده است تا با مطالعه مقایسه‌ای، مفهوم تحریم‌های اقتصادی و جنگ اقتصادی در حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار گیرند.^{۱۱}

صحنه جنگ اقتصادی

صحنه نبرد جایی است که در آنجا می‌جنگیم. این صحنه شامل عناصر اصلی تهاجم و دفاع است، این عناصر شامل موارد ذیل است:

- آرمان‌ها و اهداف اساسی خودی: (۱) پیش‌قدمی در امر اقتصاد^{۱۲} (۲) اقتصاد قوی و مقاوم که عامل اقتدار ملی باشد^{۱۳}. (۳) پیشرفت اقتصادی و (۴) استقلال اقتصادی^{۱۴}
- آرمان‌ها و اهداف خرد خودی: (۱) اقتصاد مقاومتی یک آرمان دیگر (از میان آرمان‌های خرد)، اقتصاد مقاومتی است؛ که ... یک آرمان خرد است^{۱۵}. و (۲) اقتصاد شکوفا انتظار به‌حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه‌ی ضعیف از وضعیت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند^{۱۶}.
- آرمان‌ها و اهداف اساسی دشمن: (۱) فشار اقتصادی بر کشور با اهداف سیاسی به منظور قراردادن مردم در برابر نظام^{۱۷}، تحقیر ملت ایران^{۱۸} و توقف حرکت انقلاب اسلامی^{۱۹} (۲) از بین بردن زیرساخت‌های اقتصادی^{۲۰} و (۳) تغییر اراده‌ها^{۲۱}

– **آرمان ها و اهداف خرد دشمن: (۱) لطمه به رشد ملی، اشتغال و رفاه ملی به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است^{۲۲} و ۲) ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی گفتند معامله‌ی هسته‌ای باید موجب بشود که اقتصاد ایران در اقتصاد جامعه‌ی جهانی ادغام بشود... اقتصادی که نقشه‌ی آن را جامعه‌ی جهانی کشیده است^{۲۳}.**

– **ارزیابی تهدید:**

- ✓ **ماهیت** (اقتصادی، تهدیدات اقتصادی خارجی، استقرار در وضعیت بدر و خیبر، دشمنی امریکا و حامیانش)
- ✓ **هویت** (فزاینده و پیچیده، حلقه‌های بهم پیوسته‌ای از تحریم اقتصادی، ترویج ابتدال، ترویج مواد مخدر، کارهای امنیتی، ایجاد ترلز در مبانی و مسائل اعتقادی)
- ✓ **علت** (اصل انقلاب، استقلال خواهی ملت ایران)
- ✓ **هدف** (هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی طرف مقابل، برهم زدن امنیت، فلج کردن اقتصاد ایران، بلعیدن اقتصاد ایران به وسیله‌ی هاضمه‌ی اقتصاد بین‌المللی و جهانی،)
- ✓ **روش مواجهه** (دشمن شناسی، جهاد با تدبیر، نگاه به مجموعه‌ی دشمن به چشم یک جبهه‌ی مستمر، نگاهمان واقع‌بینانه با ارزیابی درستی، نگاه به حرکت جبهه‌ی دشمن، پیش بینی حرکت جبهه‌ی دشمن، آمادگی قبلی برای مقابله با راهکارهای جدید دشمن، پایداری تا زمان مایوس شدن دشمن)

اقتصاد مقاومتی، جنگ اقتصادی و تاب آوری

نقد و بررسی تعبیر گوناگون از اقتصاد مقاومتی روشن ساخت که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی صرفاً مقاوم سازی «اقتصاد مقاومتی» برای مقاوم سازی به معنای فعالانه آن است. در این تعبیر، منظور از نقاط آسیب پذیر اقتصادی و با تأکید بر جنگ اقتصادی و یا مقابله با تهدیدهای خارجی و به ویژه دشمنان جمهوری اسلامی ایران نیست. اقتصاد مقاومتی به این معنا، دارای دو جنبه است: کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری. برنامه ریزی در جهت کاهش آسیب پذیری، که علاوه بر نقش اصیل خود، با تأثیر بر تابآوری و افزایش آن شکل فعالانه تری به خود میگیرد و همچنین تلاش برای افزایش تاب آوری اقتصاد کشور می تواند منجر به اقتصادی مقاوم در کشور شود. نمونه بارز برنامه ریزی برای کاهش آسیب پذیری می تواند در سیاستگذاری های ناظر بر کاهش وابستگی بودجه عمومی و مخارج دولت به درآمدهای نفتی تبلور یابد. تاب آوری به عنوان جنبه دیگر اقتصاد مقاومتی به صورت قابلیت های اقتصاد در شناسایی، ایجاد ظرفیتهای بهره برداری و خلق راهبردهای بهره برداری متبلور میشود. در واقع، تاب آوری قابلیت نظام اقتصادی در مواجهه با اختلالات و تغییرات منفی است، به گونه ای که اولاً، بتواند آنها را پیشبینی نماید. ثانیاً، ظرفیت لازم برای استفاده از جنبه های مثبت آنها را داشته باشد و در صورت نداشتن ایجاد نماید. ثالثاً، راهبردهایی خلق کند که بتواند حداکثر بهره مندی از تغییرات را ببرد. با چنین قابلیت، نظام اقتصادی نظامی تاب آور خواهد بود و خواهد توانست در صورت مواجهه با شوک های منفی، به راحتی از عهده حل تحمل برآید. همانگونه که اشاره شد، لازم نیست اقتصادی که تاب آور است، بتواند دقیقاً کارکردهای قبلی خود و به ویژه مشابه آنچه را قبلاً انجام میداده است، انجام دهد. ممکن است بر اثر تغییرات ایجاد شده، نظام کارکردهای جدیدی برای خود ایجاد

نموده، از این رهگذر، کارآمدی بالاتری نیز کسب کند. آنچه مهم است اینکه اقتصاد تاب آور توان مدیریت تغییرات مثبت و منفی را دارد و می تواند از آنها در جهت اهداف خود بهره برداری کند.

از این رو، میتوان اقتصاد مقاومتی را به صورت راهبردی تعریف نمود که به دنبال کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری است. به عبارت دیگر، نتیجه اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که علاوه بر آسیب پذیری پایین به ویژه آسیب پذیری ناشی از سیاستگذاری قابلیت جذب، مدیریت و بهره برداری از شوکهای مثبت و منفی ایجاد شده بر اثر تحولات را دارد. اما در جنگ اقتصادی علاوه بر اقتصاد مقاومتی نظامی لزوماً می بایست با نحوه ای صحیح نسبت به صحنه آرائی و مقابله با فعالیت هاس دشمن اقدام نمود.

صحنه آرائی و جهاد اقتصادی علیه دشمن:

در حال حاضر ۸۲ درصد سرمایه جهان، ۹۵ درصد فناوری و تکنولوژی جهان و ۹۱ درصد صنعت جهانی در اختیار ۱۷ درصد از جمعیت جهان است که عمدتاً در هشت کشور صنعتی هستند. ۸۳ درصد جمعیت جهان، فقط ۱۸ درصد ثروت موجود در کره زمین و ۹ درصد صنعت و ۵ درصد تکنولوژی و علم (جهان را در اختیار دارد). توسعه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷ طبیعتاً وقتی نبض اقتصادی جهان در اختیار هشت کشور صنعتی باشد، اینان میتواند بدون نیاز به قطعنامه های شورای امنیت یا سازمان ملل هر کشور مخالفی را به هر انگیزهای تحت فشار شدید اقتصادی قرار دهند و او را تسلیم خواسته های خود نمایند. هم اکنون شاهد هستیم که از این حربه علیه کشور ما استفاده میکنند. از سال ۲۰۰۷ میلادی برخی از مؤسسات مالی و بانکی کشور، بانک هایی همچون بانک ملی، ملت، صادرات و سپه، مورد تحریم یکجانبه امریکا قرار گرفتند.

با این توصیف جنگ اقتصادی جنگی نامتقارن است که هر شش حوزه نامتقارن یعنی ۱- عدم تقارن در شیوه ۲- عدم تقارن در فناوری ۳- عدم تقارن در اراده ۴- عدم تقارن هنجاری ۵- عدم تقارن در سازمان و ۶- عدم تقارن در پایداری را در بر می گیرد. در این جنگ عدم تقارن اراده، سازمان و پایداری مهمتر از بقیه موارد هستند. عدم تقارن در اراده، میل به خطر پذیری دشمن را افزایش می دهد و ممکن است عامل جنگ نامتقارن در محیط عدم تقارن در اراده، به اقداماتی دست بزند که طرف مقابلش از چنین خواست و اراده ای برخوردار نباشد و به دلایل حقوقی و اخلاقی از انجام آن پرهیز کند. البته این نوع از عدم تقارن، بیشتر، به سطح کلان استراتژی مربوط می شود؛ اما، معادل سطح عملیاتی و تاکتیکی عدم تقارن، در اراده، عدم تقارن در روحیه است که این مبحث نیز در حوزه مباحث مربوط به عملیات روانی، تقویت نگرش خودی، مورد توجه قرار می گیرد.^{۲۴} عدم تقارن در سازمان به تشکیلات و ساخت جبهه و نفرات دشمن به جبهه و نفرات خودی باز م یگردد. عدم تقارن در پایداری در مقاطع زمانی مختلف بسیار مهم است. این نوع از عدم تقارن با عدم تقارن در اراده به لحاظ نظری مرتبط هستند. عدم تقارن در پایداری، به ویژه در بعد عدم تقارن نسبتهای زمانی، بستگی فراوانی به فرهنگ و پیشینه جنگی کشورها دارد. این عدم تقارن، زمانی رخ می دهد که یکی از طرفین مخاصمه مایل باشد وارد جنگی شود که برای مدت زمان طولانی ممکن است ادامه داشته باشد، در حالی که طرف دیگر، فقط به مدت کوتاهی می تواند اراده خود را حفظ و در جنگ پایداری کند.^{۲۵} در جنگ اقتصادی، دشمن به مجموعه اقداماتی دست می زند تا با کاهش توان اقتصادی کشور، به کاهش قدرت مقاومت و ایستادگی و در نتیجه موجب نا رضایتی و نا فرمانی مدنی شود. کسب تسلط اقتصادی و کنترل جریانات اقتصادی و کاهش توان بازسازی و توسعه ی ملی از اهداف این نوع جنگ نرم است. مقوله ای که هم صورت ظاهری تخریب و از بین بردن نیروی انسانی و زیر بناهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک کشور را ندارد و هم می تواند دشمن را به هدف اصلی خود برساند.^{۲۶} واقعیت آن است که

در چنین صحنه ای که دشمن وارد کارزار شده و رزم را آغاز نموده است، جای گفتگوی سیاسی نیست چرا که اصولاً گفتگوی سیاسی در صحنه غالب و مغلوب یک طرفه خواهد بود و طرف غالب سعی خواهد کرد که خواسته های خود را بر طرف مغلوب بقبولاند. به همین دلیل می بایست اصول آرایش نظامی ویژه ای را در این جنگ رعایت کرد. که این ساخت را از مقام معظم رهبری می آموزیم:

اصول^۷ راهبردی نبرد اقتصادی:

- قرار گرفتن اقتصاد به عنوان اولویت اساسی کشور
- توجه به آرمان های نظام اسلامی و دنبال نمودن آنها (اسلام خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی، مردمی بودن و حفظ عزت و آبروی ملت ایران)
- رونق دادن به اقتصاد و تولید
- انتظام تفکر و برنامه ریزی صحیح

ملاحظات^۸ کلیدی نبرد اقتصادی:

- بایدها (گفتگوی سیاسی، توجه به وجود فشارها و تهدیدها، داشتن امکان دفاع از کشور، توجه ویژه به اقدام و عمل، نگاه به ظرفیت های درونی کشور)
- نبایدها (تصور دست یافتن به آرمانها بدون هزینه، ندیدن بخشی از واقعیت ها، بزرگنمایی واقعیت وجود فشارها و تهدیدها، دچار نشدن در واقعیت سازی، چشم ندوختن به دست بیگانه)

^۷ مطابق تعاریف میز معماری سازمان س.ک.ن.م اصول در قواعد فرماندهی و مدیریت به مواردی اطلاق می شود که بدون آنها شاکله سیستم و قواعد آن شکل نمی گیرد و اگر آنها را حذف کنیم به باقیمانده موجود نمی توان تعریف از قبل تعیین شده را اطلاق نمود و اصول شرط لازم برای تشکیل آنهاست.

^۸ مطابق تعاریف میز معماری سازمان س.ک.ن.م ملاحظات در قواعد فرماندهی و مدیریت به مواردی اطلاق می شود که بدون آنها شاکله سیستم و قواعد آن شکل می می گیرد اما قابل تغییرند و اگر آنها را حذف کنیم به باقیمانده موجود می توان تعریف از قبل تعیین شده را اطلاق نمود هر چند دچار انحراف باشد و به عبارت دیگر ملاحظات شرط کافی برای آنهاست.

اصول تاکتیکی:

- تکیه‌ی مهم بر روی مسئله‌ی رکود
- تکیه‌ی مهم بر روی تولید داخلی و اشتغال
- تکیه بر روی ابعاد اقتصاد مقاومتی
- مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- تکیه بر اصل خوداتکائی
- عدم اعتماد به امریکا
- ادامه صراط مستقیم

ملاحظات تاکتیکی:

- اتخاذ تدابیر و راهکارهای جدید مقابله با تهاجم اقتصادی
- مسئولیت پذیری دولت به عنوان عنصر اصلی تدافع
- نبرد در کنار یکدیگر
- عدم دلبستگی‌های اقتصادی
- اتخاذ اصل مقاومت در برابر تحریم‌ها
- عدم سهل انگاری و ساده انگاری نبرد
- امریکا و رژیم صهیونیستی به عنوان دشمنان اصلی
- آرامش و ثبات اقتصادی
- کاهش تورم
- توجه به ظرفیت‌های داخلی فعال نشده

جمع بندی و نتیجه گیری:

شما در نوشتار فوق عناصر اصلی لازم برای طراحی صحنه جنگ اقتصادی و اداره آن را ملاحظه کردید. جزئیات و تعاریف هریک از این موارد در منشور اقتصاد مقاومتی تولید مرکز راهبردی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمده است. از این رهگذر لازم است هریک از نیروهای نظامی نقش خود را تعریف نموده و با اخذ مجوزات لازم وارد مخاصمه شوند. در این میان نقش نیروهای انتظامی و امنیتی بویژه نیروی انتظامی ج.ا.ا علاوه بر نقش‌های درون ساختار، به نقش‌های برون ساختار و ماموریتی نیز باز می‌گردد که لازم است برای هریک پارادایم‌های کلان متفاوتی را تعریف و سناریوهای مختلفی را شبیه‌سازی نمود، تا در جنگ شکست نخوریم. در واقع بایداینکه از چه سطحی به امور نظامی بنگریم و آنان را مدنظر قرار دهیم، پارادایم نظامی متفاوت خواهد بود و متناسب با، یک پارادایم نظامی مشخص یا پارادایم حاکم بر جنگ سطح جنگ و عملیات نظامی، ادوات، فناوری‌ها، سازماندهی نیروها و انتخاب سیستم‌ها تغییر خواهد

کرد. نوع استراتژی بر تمامی عناصر نظامی تاثیر می گذارد و تاکتیک های مختلف را می بایست با مسایل دفاعی و نظامی نوظهور هماهنگ نمود. با انتخاب استراتژی باید به گردآوری منابع مناسب و موثق در رابطه با دیدگاهی که می تواند دست یافته های کلیدی مهم حال و آینده را به منظور شناسایی و تعیین پارادایم به دست دهد، اقدام نمود. این پارادایم نوظهور که وابستگی زیادی به سطح ارتباطات و توسعه فناوری دارد، دارای مرز کاملاً دقیقی نیست و عناصر آن از تعاملات و ارتباطات قوی با یکدیگر برخوردار و گاهی به میزان زیادی با یکدیگر همپوشانی دارد. طراحی پارادایم های ویژه جنگ اقتصادی و دفاع و امنیت، می تواند در نهایت نقش نیروهای حاضر بویژه ناجا را معین نموده و عناصر ماموریتی آن را احصاء و در دست قرار دهد.

از طرفی عناصر طراحی درون ساختار نیروها باید متوجه باشند که در عصر جنگ اقتصادی هر سازمانی که نتواند خود را با این جنگ وفق دهد لاجرم نابود خواهد شد. سیاست اصلی مقابله با جنگ اقتصادی، اقتصاد مقاومتی است که لازم است لایه به لایه در سازمان های دفاعی - امنیتی مورد توجه قرار گرفته و به شکلی ساخت یافته هر قسمت وارد آن شود. برای رسیدن به نتایج بهتر ادامه تحقیق در مورد پارادایم ها و نیز نحوه بازمهندسی سازمان ها بر اساس اقتصاد مقاومتی مورد نیاز است.

عرض تشکر و امتنان:

بدینوسیله از سردار سرتیپ پاسدار دکتر ایوب سلیمانی و سردار سرتیپ پاسدار غفار حاجی سالم به جهت راهنمایی های ارزنده ایشان تشکر می نماید.

منابع

۱ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

۲ ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

۳ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

⁴ Shintaro Ishigara Cited in C. Fred Bergsten, Japan and United States in the New World Economy, in Throdore Rueter, ed, The United States in the World Political Economy, (New York: Mc Graw Hill, 1994, P.175).

⁵ Ibid P. 176.

۶ (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۵)

۷ (شومیک و هالت ورك، ۱۳۷۱: ۸۰)

۸ ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

۹ * ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

۱۰ ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

^{۱۱} سعیده زراعتکار مغانی، بررسی مفهوم تحریم اقتصادی در حقوق بین الملل و مقایسه آن با مفاهیمی همچون جنگ اقتصادی، سومین کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم (۱۳۹۴)

۱۲ 1392/12/28

۱۳ 1394/06/18

۱۴ 1395/03/14

۱۵ 1392/05/06

۱۶ 1394/01/01

۱۷ 1394/01/01

۱۸ 1393/11/29

۱۹ 1393/11/29 و ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

۲۰ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

۲۱ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

²⁴ Steven Metz, *Asymmetric Warfare*, 2001, Ch 1, P7.

²⁵ *Ibid*, P8.

^{۲۶} فردرو، محسن (۱۳۸۸). مروری بر ابعاد موضوعی دفاع غیر عامل، تهران: انتشارات عابد، ص ۶